

## بررسی تطبیقی قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در منابع فقهی، حقوق جزای بین‌الملل و ایران

محسن غلامی رزینی<sup>۱</sup>

مسیب داوری<sup>۲</sup>

علیرضا میلانی<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و تأکید بر حق دادرسی عادلانه جهت تضمین و اطمینان بخشیدن به اینکه متهم به صورت غیرقانونی و ناعادلانه مجازات نخواهند شد، موجب پذیرش قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق مدنی سیاسی شد. با توجه به الحاق ایران به این کنوانسیون و براساس ماده ۹ قانون مدنی، مفاد کنوانسیون مذکور در حکم قانون و لازم‌الاتباع است. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که قاعده مذکور در منابع فقهی، حقوق جزای بین‌الملل و ایران چگونه اعمال می‌شود؟

**روش تحقیق:** این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر شیوه نگارش، توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات موردنظر از طریق مطالعه کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع علمی دانشگاهی و اینترنتی جمع‌آوری شده است.

**یافته‌ها و نتایج:** نتایج پژوهش حاکی است که قاعده مذکور به عنوان حقوق اساسی متهمان در حقوق جزای بین‌الملل مورد تأکید است. در منابع فقهی و از منظر آموزه‌های اسلامی مورد پذیرش است؛ چراکه اسلام به حفظ کرامت و ارزش والای انسان تأکید فراوان دارد. در نظام حقوقی ایران نیز فراز و نشیب‌هایی داشته است؛ به طوری که این قاعده بعد از انقلاب به بوتۀ فراموشی سپرده شد تا اینکه با تدوین ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۲)، صرفاً در قلمرو مجازات تعزیری منصوص غیرشرعی پذیرفته شد. پذیرش این قاعده ضمن آنکه هیچ مغایرتی با موازین فقهی و حقوق داخلی ایران ندارد، حتی در بسیاری موارد می‌تواند پشتوانۀ حقوقی محکمی برای اقدامات سیاسی ایران به شمار آید.

**کلیدواژه‌ها:** قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، منابع فقهی، حقوق جزای بین‌الملل، حقوق جزای ایران.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق (نویسنده مسئول)  
Mohsen.gholami63@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

۳. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

## مقدمه بیان مسئله

کشورها بر اساس انواع صلاحیت‌ها<sup>۱</sup>، خود را برای اعمال قوانین کیفری و محاکمه مجرمان صالح می‌دانند و دامنهٔ تقنینی خود را به خارج از قلمرو حاکمیتی گسترش داده‌اند (پوربافرانی، ۱۳۸۷: ۷۹). بر همین اساس، قاعده‌ای بنام «قاعدهٔ منع محاکمه و مجازات مجدد» به وجود می‌آید که طبق آن متهم جزء در شرایطی خاص، نباید دو بار برای یک جرم محاکمه و مجازات شود. این قاعده<sup>۲</sup> که از قواعد مهم حقوق کیفری است در منابع فقهی و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته و امروزه در بسیاری از نظام‌های حقوق دنیا و از جمله ایران در قانون (مصوب ۱۳۵۲) مورد توجه مقنن قرار گرفت. اما، پس از انقلاب در قانون (مصوب ۱۳۶۱) بدون دلیل موجه از نظام کیفری حذف و در قانون (مصوب ۱۳۷۰) نیز پیش‌بینی نشد<sup>۳</sup> تا اینکه با تصویب قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) مجدداً مقنن تا حدودی به این قاعده، جایگاه قانونی بخشید. اما چالش قانون مذکور در مقایسه با اسناد بین‌المللی این است که دادگاه‌های ایران، در محاکمه و مجازات جرائم حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی ملزم به احتساب مجازات اعمال شدهٔ دادگاه‌های خارجی نیستند. البته، این قاعده در صورتی که موضوع جرم، سبب آن و اصحاب دعوا واحد باشند، اعمال می‌شود. علاوه بر این، صالح بودن دادگاه صادر کنندهٔ حکم، قطعی بودن حکم و اجرای مجازات قبلی از دیگر شرایط اجرای این قاعده است (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵). با این وصف، صلاحیت دولت‌ها در جهت مبارزه با ارتکاب جرائم سازمان‌یافتهٔ فراملی مانند قاچاق مواد مخدر، جرائم محیط‌زیست، قاچاق انسان، تروریسم و غیره که گسترهٔ آن تمام نقاط جهان را فرامی‌گیرد و منجر به خدشه‌دار شدن نظم عمومی بین‌المللی و داخلی کشورها می‌شود، ضرورت دارد

۱. صلاحیت سرزمینی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجرم یا شخصی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت جهانی.

۲. از این قاعده در نظام حقوقی کامن‌لا (کامن‌لاو) تحت عنوان اصل «Double jeopardy» و در نظام حقوقی رومی - ژرمنی تحت عنوان «in idem Ne bis» یاد می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۶۱: ۸۴). البته برخی معتقدند که این دو قاعده دقیقاً به یک معنا نمی‌باشند؛ چراکه اصل اول به معنی قرار گرفتن مجدد در معرض تعیین مجازات است که در تمام مراحل مختلف فرآیند عدالت کیفری در نظام حقوقی واحد قابل اجراست.

۳. هرچند در نظریات مشورتی متعدد ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضائیه به امکان اعمال مقررات آن اشاره شده است، با این حال این نظریات به جهت لازم‌الاتباع نبودن، ارزش چندانی ندارند.



تا پلیس نیز مهارت‌های چگونگی مقابله و تعقیب این نوع جرائم را کسب کند. به همین منظور، لزوم شناخت بیش از پیش مقررات بین‌المللی و چاره‌اندیشی درست در خصوص اعمال قاعده مذکور می‌طلبد تا پلیس نیز به موازات پیشرفت حقوق جزای بین‌الملل، در این حوزه ارتقا یابد؛ چراکه اتخاذ تدابیر کیفری مناسب در برابر این‌گونه رفتارهای مجرمانه و تبعیت از اصول و مقررات پذیرفته‌شده این قاعده توسط پلیس، منجر به کارآمدی عملکرد ناجا خواهد شد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در منابع فقهی، حقوق جزای بین‌الملل و ایران چه جایگاهی دارد؟ در اهمیت و ضرورت تحقیق فرارو می‌توان گفت که این قاعده برخاسته از ذهن عدالت‌خواهانه بشر و منطبق با قاعده انصاف است. از حقوق اساسی متهم و رعایت آن، لازمه تحقق دادرسی عادلانه به شمار می‌رود و نیازمند هیچ اندیشه و استدلالی نیست. لذا، اعتبار امر مختوم کیفری که باعث منع محاکمه و مجازات مجدد می‌شود، در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان و همچنین در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان یکی از موازین حقوق بشر پذیرفته شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۸۵). البته، اعمال این قاعده در کشورهای اسلامی از جمله ایران نسبت به جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات، موضع متفاوتی دارند؛ زیرا به دلیل تفاوت در جرم‌انگاری و درجه‌بندی مجازات، نمی‌توانند برای تأمین امنیت خود به دیگر کشورها اعتماد کنند (پوربافرانی، ۱۳۸۷: ۷۹). البته، لزوم تأمین امنیت قضایی شهروندان ایجاب می‌کند کسی که یک‌بار محاکمه و مجازات شده، بداند که مجدداً به دلیل همان موضوع، مورد تعقیب و محاکمه قرار نخواهد گرفت؛ چراکه اضطراب ناشی از احتمال احضار به دادگستری برای تعقیب کیفری جدید و لزوم تدارک دفاع در برابر آن، احساس آرامش و امنیت فرد را از بُعد قضایی سلب خواهد کرد (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۳).

### پیشینه تحقیق

با بررسی مطالعات انجام‌گرفته، تحقیقاتی که به‌طور ویژه در زمینه مطالعه تطبیقی قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در منابع فقهی، حقوق جزای بین‌الملل و ایران انجام شده باشد، یافت نشد. با این وجود، می‌توان به پژوهش‌های زیر به عنوان مطالعات مرتبط با موضوع

پژوهش حاضر اشاره کرد. ساریخانی و کرمی پور (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «اعمال قاعده منع مجازات مضاعف نسبت به جرائم ارتكابی ایرانیان در خارج از کشور» به بررسی اجرای مجازات شرعی نسبت به مرتکب ایرانی در خارج از کشور با رعایت کلیه ضوابط شرعی و رسیدگی مجدد پس از بازگشت به ایران پرداخته‌اند. خالقی و احمدی (۱۳۹۵) نیز در مقاله خود با عنوان «قاعده منع محاکمه مجدد در نظام حقوقی افغانستان، اسناد بین‌المللی حقوق بشر و فقه حنفی»، نتیجه گرفته‌اند که در حقوق افغانستان، مقنن نه تنها تمایلی به محاکمه مضاعف متهم ندارد، بلکه در امور غیر کیفری نیز تکرار محاکمه را ناپسند و آن را از موارد رد دعوا می‌شمارد. در فقه حنفی نیز محاکمه مجدد مردود است. همچنین، صفری و قپانچی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با موضوع «تأملی بر رویکرد نوین حقوق جزای بین‌الملل ایران نسبت به قاعده منع مجازات مجدد»، به این نتیجه رسیده‌اند که پس از انقلاب با حذف این قاعده از مجموعه قوانین، این شبهه را ایجاد کرد که اقدام مقنن در حذف این قاعده در راستای اسلامی شدن قوانین با فقه بوده است، اما ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۲) با احیای مجدد این قاعده نشان داد که حذف این قاعده در قوانین گذشته ناشی از بی‌توجهی مقنن به منابع معتبر فقهی بوده است.

پوربافرانی و بیگی حسن (۱۳۹۲) در پژوهشی با موضوع «اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرائم مستوجب مجازات شرعی»، به این نتیجه رسیدند که ظاهراً تدوین‌کنندگان ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۲) پذیرش این قاعده را در قلمرو مجازات حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی مغایر با موازین اسلامی دانسته‌اند. توجهی و قربانی قلجلو (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری ایران و تعارض‌های آن با اسناد بین‌المللی»، به این یافته رسیدند که با ایجاد بستر محاکمه و مجازات مجدد مرتکب برای عمل مجرمانه واحد در حقوق ایران، تعارض‌هایی با سیاست‌های اتخاذشده در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری بین‌المللی پدید آمد. همچنین، خدابنده‌لو (۱۳۹۱) در تحقیقی با موضوع «بررسی جایگاه قاعده منع محاکمه مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و حقوق ایران»، به این یافته رسیده که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اولین سند بین‌المللی در این زمینه است و در حقوق داخلی، این قاعده در سال ۱۳۹۲ مجدداً احیا شد.



توجهی و قربانی قلمبو (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی در آراء مراجع عظام تقلید»، با بررسی استفتائات مطرح شده از آیات عظام تقلید، قاعده را در برخی از انواع جرائم و مجازات به لحاظ فقهی قابل توجیه و پذیرش معرفی کرده‌اند. همچنین، حبیب زاده، اردبیلی و جانی پور (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری بین‌المللی»، نتیجه گرفته‌اند که اگر دادگاه‌های داخلی، اصول دادرسی عادلانه را مراعات نکنند، دادگاه بین‌المللی خود را صالح به رسیدگی می‌داند. این اقدام دادگاه بین‌المللی موجب نقض قاعده منع محاکمه و مجازات نیست.

### ادبیات و چارچوب نظری تحقیق

مفهوم قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد آن است که هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل اتهامی که سابقاً به شیوه‌ای قانونی مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور حکم قطعی (اعم از محکومیت و براءت شده) شده، برای بار دوم مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار داد؛ حتی اگر محکومیت سابق وی مورد عفو قرار گرفته یا مشمول مرور زمان شده یا به هر جهت از جهات قانونی غیرقابل اجرا باشد. به عنوان مثال، در مواردی که فردی در یک کشور متحمل مجازات شده یا به صورت نهایی تبرئه شده یا حکم محکومیت وی به جهتی از جهات قانونی غیرقابل اجرا اعلام شده است، با مراجعه به کشور دیگر، دادگاه‌های این کشور به هیچ‌وجه نمی‌توانند با اعتقاد به عدم مشروعیت قوانین یا عدم صلاحیت مراجع قضایی پیشین یا به بهانه اختلاف در نوع یا میزان مجازات یا به هر علت دیگری، دوباره مبادرت به محاکمه و مجازات کنند. البته، نکته جالب توجه در این فرآیند آن است که اولاً اثبات محاکمه سابق به عهده متهم است و دادگاه در این باره تکلیفی ندارد و ادعای اثبات نشده متهم را هم نادیده خواهد گرفت. ثانیاً آن‌گونه که در بند ۲ ماده ۴ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر بیان شده است، در موارد کشف دلایل و حقایق جدید یا احراز نقایص و ایرادات اساسی در رسیدگی نخست، قاعده مورد بحث مانع محاکمه و مجازات مجدد نخواهد بود (کریانک سک گیتی، ۱۳۸۳: ۱۳۸). بند ۷ ماده ۱۴ میثاق در این باره مقرر می‌دارد:

«هیچ کس را نمی‌توان به علت جرمی که براساس قانون و آیین دادرسی هر کشور به صورت نهایی به ارتکاب آن محکوم شده یا از آن برائت یافته است، مجدداً مورد محاکمه و مجازات قرار داد». بند ۱ ماده ۴ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی همین مطلب را عیناً مورد حکم قرار داده و سکوت کنوانسیون را جبران کرده است. همچنین، تکریم مقام و تعظیم شأن و شخصیت آدمی در مراعات مفاهیم و معیارها یا تدابیر و تضمین‌ها نیز در منابع فقهی موج می‌زند و به عنوان ارزش والای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹). بدیهی است که این قاعده در صورتی اجرا می‌شود که عمل ادعایی که مبنای محاکمه بوده، واحد باشد؛ هر چند عنوان جزایی در قوانین کشورهای ذی‌ربط مختلف باشد. به عبارت دیگر، ممکن است عمل واحد در کشورهای مختلف، عناوین جزایی متفاوتی داشته باشد که این امر مانع از اعمال این قاعده نیست. بنابراین، برای تحقق رعایت قاعده مذکور، شرایطی به شرح زیر لازم است:

- **وحدت موضوع جرم:** منظور از وحدت موضوع، عملی است که قبلاً مورد رسیدگی واقع شده و اکنون مورد رسیدگی جدید قرار گرفته است. در واقع، در مقایسه بین دو عمل، مادیت آن اعمال مورد توجه است، نه وصف کیفری اعطا شده به آن‌ها. لذا نه تنها تعقیب مجدد همان جرم، بلکه تعقیب مجدد همان عمل، منع شده است. در حقوق داخلی ایران، به دلیل اعتبار مرجع قضایی بدوی و فرض صحت احکام، این امر در قالب قاعده اعتبار امر مختوم مورد پذیرش است. این موضوع زمانی چالشی ایجاد می‌کند که یک عمل مجرمانه در کشوری دارای یک وصف مجرمانه متفاوت از کشور دیگر است که در صورت تغییر این وصف مجرمانه، مجازات مقرر نیز ممکن است تغییر یابد.
- **وحدت سبب:** شخصی که قبلاً مورد محاکمه قرار گرفته و محکوم یا تبرئه شده، طرح دعوی کیفری مجدد به همان سبب ممنوع است.
- **وحدت اصحاب دعوی:** چنانچه موضوع جرم قبلاً توسط یکی از اصحاب دعوی (متهم، زیان‌دیده از جرم، دادستان) در یکی از دادگاه‌ها صالح مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفته باشد، به خاطر همان موضوع، طرف دیگر دعوی نمی‌تواند علیه همان متهم، تقاضای تعقیب یا رسیدگی مجدد کند.



- صدور رأی نخست از دادگاه صلاحیت‌دار خارجی: منظور این است که حکم اولیه باید از دادگاهی صادر شود که خارج از قلمرو حاکمیت کشور متبوع باشد، هیچ تعلقی به کشور متبوع نداشته باشد و صلاحیت رسیدگی به جرم مربوطه را داشته باشد.

- حکم سابق قطعی باشد: چنانچه پس از صدور حکم نخستین و طی تشریفات اعتراض، حکم قطعی شد، دیگر نمی‌توان با همان موضوع مجرمانه واحد، در دادگاه کشوری دیگر اقدام به رسیدگی کرد. ولی اگر تشریفات لازم مانند طرق اعتراض و غیره در مورد حکمی طی نشده باشد، به منزله این است که رسیدگی تمام نشده و حکم قطعی نیست. لذا شروع به رسیدگی به موضوع همان جرم در کشوری دیگر، عدم رعایت قاعده منع محاکمه مجدد تلقی نمی‌شود.

- تحمل مجازات مقرر در حکم سابق: این قاعده زمانی اعمال می‌شود که متهم در حکم سابق (صادره از دادگاه کشور خارجی) تبرئه شده باشد. در صورتی که حکم قبلی، دایر بر محکومیت متهم به مجازات باشد، وضع متفاوت است. اگر مجازات مورد حکم در کشور صادرکننده حکم به دلیل تعلیق، عفو مجازات یا آزادی مشروط محکوم‌علیه اجرا نشود، این امر در حکم اجرای مجازات بوده و امکان تعقیب مجدد را از کشور دیگر سلب می‌کند (جاهد، ۱۳۸۹: ۱۲).

بدیهی است که رویکرد نظام‌های بزرگ حقوقی در اعمال قاعدل مذکور متفاوت است. برخی از کشورها رویکردی به نفع متهم دارند، اما همه کشورها چنین رویکردی نسبت به این امر ندارند. برای مثال، با تصویب قانون مجازات جدید فرانسه در سال ۱۹۹۲ که از سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد، امکان استناد متهم به صدور فرمان عفو در کشور خارجی از او سلب شد و در توجیه آن اعلام شد که ممکن است فرمان عفو صرفاً براساس انگیزه‌هایی که مناسبت آن را در کشور خارجی موجه می‌ساختند، صادر شده باشد و امر نباید لزوماً مانع اعمال تعقیب کیفری در فرانسه شود<sup>۱</sup> (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۰). اعمال این قاعده در سراسر روند دادرسی، یعنی مرحله تعقیب، محاکمه و مجازات، جریان دارد. همچنین، این قاعده با عناوین دیگری چون اعتبار امر مختوم، محکومیت یا براءت قبلی و منع مخاطره

۱. ماده ۲۰ بخشنامه ۱۴ مه ۱۹۹۳ وزارت دادگستری.

مجدد در حقوق کشورهای مختلف مورد شناسایی قرار گرفته است. البته، این حق در نظام حقوقی رومی - ژرمنی هم برای احکام محکومیت و هم برای احکام برائت اعطا شده است. اما در حقوق کامن‌لا برای حکم برائت به مقام تعقیب این حق داده نشده است؛ چراکه اعتقاد بر این دارند که اعطای چنین حقی مخالف قاعده منع محاکمه مجدد است (خوانساری، ۱۳۶۴: ۲۱۴). بنابراین، با توجه به رویکردهای موجود در نظام‌های حقوقی فوق، مبانی و دلایل پذیرش و عدم پذیرش این قاعده متفاوت است. مخالفان یا مطلقاً قائل به عدم پذیرش این قاعده هستند یا در سطح محدود و تحت شرایطی خاص قائل به پذیرش هستند. همچنین، مخالفان برای تأیید عقیده خود به سه دلیل عمده استناد می‌کنند: عدم اعتماد به دادگاه‌های بیگانه که چنین استنباط می‌شود که احکام صادره از دادگاه‌های بیگانه قادر به تأمین نظم عمومی داخلی نیست و همیشه بیم آن است که دادگاه‌های بیگانه، حساسیتی که دادگاه‌های داخلی نسبت به جرم و مرتکب دارند، مدنظر قرار ندهند؛ اصل تناسب جرم و مجازات که حکم قطعی محکومیت صادره از محاکم صالح کشورهای دیگر به دلیل عدم تناسب با مجازات مقرر در قوانین جزایی داخلی اعتبار ندارد (توجهی، ۱۳۸۸: ۲۹) و مبانی ایدئولوژیکی که برخی از رفتارهای مجرمانه هر چند وصف مجرمانه واحدی از نظر کشورها داشته باشند، اما به دلیل وابسته بودن یا نبودن به مبانی ایدئولوژیکی مذهبی، برخوردهای متفاوتی با مرتکب جرم انجام می‌گیرد<sup>۱</sup>.

موافقان قاعده مذکور نیز به چهار دلیل عمده استناد کرده‌اند؛ ۱- قاعده ملازمه: در فقه، قاعده مشهوری بنام «قاعده ملازمه» وجود دارد که می‌گوید «حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل»؛ یعنی هر چه را عقل حکم کند، شرع هم حکم می‌کند و هر چه شرع حکم کند، عقل هم به آن حکم می‌کند. طبق عقیده مرحوم مطهری، یک مجتهد می‌تواند یک حلال منصوص شرعی را به خاطر مفسده‌ای که عقلش کشف کرده، تحریم کند یا حتی یک واجب را تحریم کند یا یک حرام را به حکم مصلحت لازم‌تری که فقط عقل آن را کشف

۱. مثلاً مجازات جرم زناى محصنه در کشورهای اسلامی رجم است. حال اگر تبعه‌ای از این کشورها در خارج از قلمرو حاکمیت کشور متبوع، مرتکب جرم مذکور شود، براساس قوانین جزای کشور غیر اسلامی مجازات رجم نیست، بلکه ممکن است مجازات حبس را اعمال کنند. لذا براساس اعتقادات دینی مسلمانان، چنین مجرمی باید بعد از رجعت به کشور خود، مورد محاکمه و مجازات مقرر قانونی قرار گیرد.





کرده، واجب کند (منتظری، ۱۳۶۷: ۳۰). در خصوص قاعده منع محاکم و مجازات مجدد هم وقتی این نتیجه به دست آمد که مصالحی که اجرای این قاعده تضمین کننده آن‌ها است، از مصلحت اجرای مجازات حدود، قصاص و دیات مهم‌تر است، می‌توان از اجرای این مجازات صرف‌نظر کرد. ۲- ارشادی بودن بخشی از احکام جزائی اسلام: در خصوص جرائم با مجازات شرعی، قبل از اینکه یک حکم تبعیدی باشد که میزان مجازات است، با یک حکم ارشادی که امر به مجازات کردن است مواجه است و در این مرحله اگر عقل به این نتیجه برسد که مجازات کردن هدفی را که منظور نظر شارع بوده تأمین نمی‌کند، می‌توان از اجرای مجازات چشم پوشید. این شیوه در سیره ائمه اطهار نیز به چشم می‌خورد. مثلاً در سیره حضرت علی (ع) آمده است که ایشان زنانی را که مرتکب زنا می‌شدند و شوهر نداشتند، به جای اینکه حد را بر ایشان جاری کنند، به اجبار شوهر می‌دادند (سلیمی، ۱۳۸۱: ۷). در واقع، ایشان به این نتیجه رسیده بودند که هدف مهمی که در مجازات وجود دارد و آن جلوگیری از تکرار جرم است، به‌وسیله تزویج (شوهر دادن) زنان بهتر تحقق می‌یابد تا مجازات کردن. اگرچه اعتقاد بر این است در مجازات حدود و قصاص چون آن مجازات از سوی خداوند تعیین شده، بهترین مجازات ممکن است، اما آن مجازات غیرشرعی هم تا حدی اهداف مجازات را تأمین می‌کند؛ چراکه اگر قرار بود بر مجازات تعیین شده توسط انسان‌ها چندان اثری مترتب نباشد، خداوند باید برای همه جرائم مجازات معینی را تعیین می‌کرد. در حالی که مجازات معین فقط برای چند جرم محدود وجود دارد. بنابراین، همان مجازاتی که فرد برای بار اول تحمل کرده، اگرچه بهترین مجازات نبوده، اما تأمین کننده نسبی اهداف مجازات بوده است (توجهی، ۱۳۸۸: ۳۷). ۳- قاعده لاضرر: پیامبر (ص) در حدیثی فرمودند: «لاضرر و لاضرار فی الاسلام»؛ با آوردن لای نفی جنس، در حقیقت بیان کرده که هیچ نوع ضرری مورد تأیید و امضای شرع قرار نمی‌گیرد. این حدیث در بردارنده این نکته است که چنانچه حکمی از احکام اولیه اسلام در مقام اجرا برای فردی در بردارنده ضرر شد، آن حکم به موجب این قاعده برداشته می‌شود و جای خود را به یک حکم ثانویه می‌دهد. با این توضیح، سؤال این است که آیا اعمال دو مجازات بر شخص برای یک جرم، شخص را در معرض خسارت و زیان قرار نمی‌دهد و عرف چنین شخصی را متضرر نمی‌داند؟ بدیهی است اگرچه مجازاتی که فرد به موجب قوانین و

احکام اسلامی متحمل می‌شود فی نفسه به حق است. اما در مورد مذکور، مجازات سبب ایجاد ضرر برای شخص می‌شود که به موجب این قاعده، مورد نفی شارع مقدس است. لذا باید این حکم اولیة اسلام که همان اجرای احکام جزائی اسلام است، به موجب این قاعده برداشته شود و جای خود را به حکم ثانویه که صرف‌نظر کردن از مجازات است، بدهد. ۴- قاعده لاجرح: این قاعده که حرج را نفی می‌کند، همانند قاعده لاضرر، بر احکام اولیة اسلام دلالت دارد، در صورتی که اجرای احکام اسلامی حالت حرجی به خود بگیرد، و چون آن به موجب این قاعده از مکلف برداشته می‌شود. به استناد این قاعده نیز می‌توان قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد را پذیرفت (قربانی قلجلو، ۱۳۸۳: ۷۷).

### یافته‌ها

در مقاله حاضر، جهت رسیدن به یافته‌های موردنظر، قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در سه حوزه منابع فقهی، حقوق جزای بین‌الملل و حقوق جزای ایران مورد بررسی قرار گرفت که یافته‌های حاصله شامل موارد زیر است.

قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق جزای بین‌الملل: بررسی حاصله نشان می‌دهد که حقوق جزای بین‌الملل در قالب اسناد جهانی و منطقه‌ای از جمله بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup> قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد را مورد پذیرش قرار داده است. البته، میثاق در آن ماده صرفاً به حکم برائت و محکومیت تأکید دارد و به تحمل مجازات از سوی متهم هیچ اشاره‌ای نکرده است. از طرف دیگر، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد که به موجب ماده ۲۸ میثاق تأسیس شده در این خصوص ابراز کرده است: «مقررات بند ۷ ماده ۱۴ میثاق صدور احکام محکومیت مضاعف برای عمل واحد را تنها در مورد اشخاصی که توسط دولتی معین محاکمه می‌شوند، ممنوع می‌سازد». این بدان معنی است که حکم نخست باید از دادگاه‌های همان کشوری باشد که در حال حاضر نیز برای بار دوم شروع به تعقیب و رسیدگی می‌کنند تا بتوان قاعده منع محاکمه و مجازات

۱. بند ۷ ماده ۱۴: «هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل ارتکاب جرمی که برای آن قبلاً به موجب حکم قطعی صادر شده بر طبق قانون و آیین دادرسی هر کشوری تبریئه یا محکوم شده است، تعقیب یا مجازات کرد».



مجدد را اعمال کرد. اظهار نظر اینچنینی کمیته حقوق بشر بین‌المللی در خصوص بند ۷ ماده ۱۴ میثاق سازگار به نظر نمی‌رسد؛ چراکه عبارات عام متن ماده مذکور به روشنی بیانگر شمولیت متن به محکومیت‌های متعدد برای یک عمل واحد در کشورهای مختلف عضو است. به همین دلیل است حقوقدانان، مفاد رأی کمیته مذکور را از نظر انسانی تأسفبار می‌دانند. نمونه دیگر اسناد جهانی که قاعده مذکور را پذیرفته‌اند، دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هستند. منتها به‌طور مطلق مورد پذیرش قرار نداده و محدودیت‌ها و استثنائاتی در آن قائل شده‌اند (پرالوس، ۱۳۷۷: ۴۸). نمونه بعدی، قراردادهای اروپایی است<sup>۱</sup>. همچنین، کنوانسیون اجرای موافقتنامه شنگن که در سال ۱۹۹۰ به تصویب دول امضاءکننده رسیده است. دو کنوانسیون ۱۹۷۰ شورای اروپا و ۱۹۸۷ بروکسل نیز قاعده مذکور را به صورت اختصاصی مورد پذیرش و تأکید قرار داده‌اند.

**قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در منافع فقهی:** در منابع فقهی و از منظر آموزه‌های اسلامی نیز قاعده مذکور مورد پذیرش قرار گرفته است؛ چراکه اسلام ضمن تأکید بر کرامت انسان، برای آدمی آن‌چنان حرمتی قائل است که تعدی به وی را جزء در مواردی که به حقوق مردم یا خدا (تحت تعابیر حق الناس و حق الله) تعدی و تجاوز کرده و خود را مستوجب مجازات کرده باشد، بر نمی‌تابد و آن را معصیت شمرده است؛ به‌گونه‌ای که تعدی بلاسبب به انسان را مستوجب عقوبت می‌داند (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۴۱). هر چند شاید اطلاق عباراتی از معصومین مبنی بر عدم امکان تعرض به مجرمی که متحمل مجازات شرعی شده و محدود نکردن گستره آن در کلام ایشان به قلمرو حکومت اسلامی یا خارج از آن را بتوان به موضوع منع محاکمه و مجازات مجدد مرتبط کرد، اما با عنایت به پدید آمدن مسائل جدید در حقوق جزای بین‌الملل در سال‌های نه‌چندان دور و به تبع مستحدثه بودن مفهوم مورد نظر از مجازات مجدد، فقها متأخر و مراجع عظام تقلید حسب استفتائات و پرسش‌های مطروحه، به مسائلی که به‌نوعی با موضوع ارتباط مستقیم دارند، پاسخ داده و به فروع مختلفی از مسئله مجازات مجدد و احکام مربوط به آن مانند تفاوت حکم در مسلمان بودن مجرم و قاضی

۱. قواعد اسناد بین‌المللی تنظیم شده میان دول اروپایی براساس علایق و مشترکات منافع آن‌ها تأسیس شده و نسبت به قواعد ملی اعضاء حتی با فرض مؤخر بودن این قواعد، برتری دارد. در نتیجه، نظم حقوق جوامع اروپا به شرط مطابقت قانون اساسی کشورها با آن بر نظم حقوقی ملی برتری دارد.

صادرکننده حکم، موضوعیت داشتن یا نداشتن اجرای حکم صادره در کشور اسلامی، تفاوت حکم موضوع حسب مجازات و نوع جرم ارتكابی به لحاظ حدود و قصاص یا تعزیری بودن آن، منوط بودن حکم مسئله به مسلمان یا کافر بودن طرفین دعوا یا شکایت پرداخته‌اند که فتوای حضرات آیات عظام مرحوم فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی، موسوی اردبیلی، مکارم شیرازی، صانعی و غیره از این دسته است. به عنوان نمونه، راجع به مسئله مجازات مضاعف، حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی با تفکیک حکم موضوع در حالت‌های مسلمان بودن قاضی خارجی، مسلمان بودن طرف شکایت، عدم استیفاء حق مسلمان مطابق حکم محکمه خارجی، چنین اظهار نظر فرموده‌اند: «در صورتی که قاضی خارجی مسلمان و صلاحیت برای قضاوت داشته باشد و حکم اجرا شود، حکم دیگری اجرا نخواهد شد. در صورتی که مجرم غیرمسلمان باشد و طبق موازین خودشان محاکمه و مجازات شده باشد، تجدید محاکمه درباره آن‌ها لزومی ندارد؛ مگر اینکه طرف مقابل مسلمان باشد و طبق قوانین اسلام حق او گرفته نشده باشد و نسبت به موارد دیگر فروض مختلف است. باید روشن شود جرم چه بوده و مجازاتی که در خارج تعیین کرده‌اند، چه بوده تا درباره آن فتوا داده شود». همچنین، در خصوص اعتبار احکام خارجی فرموده‌اند: «حکم در صورتی اعتبار دارد که به وسیله یک حاکم اسلامی صادر شده باشد و تمام مجازات و احکام صادره در حق همه مجرمان مطابق آنچه در کتاب حدود و دیات آمده اجرا می‌شود، ولی حد در سرزمین مخالفان اسلام جاری نمی‌شود تا محکوم به کشور اسلام بازگردد (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹). چنانچه مجازاتی در کشورهای غیراسلامی که معمولاً به صورت تعزیرات درباره مجرم جاری شود، حکومت اسلامی می‌تواند از مقدار تعزیر در صورت صلاحدید بکاهد. کما اینکه قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» هم در امر تقنین و هم در خصوص تعیین مجازات جاری است و می‌تواند مبنای فرمایش معظم له باشد.

**قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق جزای ایران:** نظام حقوقی ایران در زمینه قاعده مذکور فراز و فرودی داشته است. پیش از انقلاب، مقنن در ماده ۳ قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲)، این قاعده را به صراحت پذیرفته بود، اما بعد از انقلاب در قوانین (مصوب ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰) قاعده مذکور حذف شد و موضع ضمنی یا صریحی دال بر پذیرش



این قاعده ملاحظه نشد. با ابهام و سکوت سیاست تقنینی در این زمینه، رویه‌های مختلفی در محاکم قضایی اتخاذ می‌شد تا اینکه با پذیرش قاعده اعتبار امر مختوم کیفری، دادگاه‌ها به پذیرش این قاعده تمایل پیدا کردند. قانون‌گذار نیز با پذیرش برخی اسناد و معاهدات بین‌المللی در این حوزه، به سوی پایبندی به این قاعده پیش رفت. لذا، در قانون (مصوب ۱۳۷۰) این قاعده در جرائم تعزیری و بازدارنده قابل اعمال بود، اما در حدود، قصاص و دیات قابل پذیرش نبود. علت پذیرش این قاعده در جرائم تعزیری این بود که تعزیر، تأدیب و عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به حاکم واگذار شده است.

در جرائم بازدارنده تعیین حرمت عمل یا جرم بودن آن نیز توسط حاکم تعیین می‌شود، اما در جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات به لحاظ اهمیت فراوان آن‌ها و مهم بودن جرائم ارتكابی و اینکه شارع در تعیین این کیفرها و نحوه اجرا و شرایط تحقق آن نقش اساسی دارد و مقنن نمی‌تواند بنا به دلایلی با وضع قانون از اجرای آن صرف نظر کند یا اجرای آن را منوط به شرطی کند، اعمال این قاعده مجاز نبود. بنابراین، در این برهه زمانی، بحث‌های متعددی در خصوص امکان محاکمه دوباره متهم با در نظر گرفتن قاعده «اعتبار امر مختومه» به وجود آمد که اکثریت قضات با استناد به ماده ۷ و ۲۰۷ قانون ۱۳۷۰، متهم را قابل محاکمه و مجازات قصاص می‌دانستند. البته، برخی از قضات با اشاره به ماده ۷ قانون ۱۳۷۰ اظهار کردند که این ماده در صورتی لازم‌الاتباع است که فرد متهم در کشور محل وقوع جرم دستگیر و محاکمه نشده و به مجازات نرسیده باشد. شعبه ۷ دیوان عالی کشور نیز در زمینه قاعده مذکور با نقض رأی اکثریت قضات، از نظر اقلیت تبعیت کرده و با اشاره به مواد ۱۰۷ و ۱۶۹ آیین دادرسی مدنی، احکام خارجی و اسناد رسمی در این خصوص را لازم‌الاجرا و معتبر در قانون ایران شناخت. همچنین، دیوان با استناد به بند ۵ ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری چنین مواردی را از موارد سقوط دعوای عمومی به اعتبار امر مختومه دانست. البته، با استناد به بند ۷ ماده ۱۴ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» که ایران در سال ۱۳۵۴ به آن ملحق شده، نمی‌توان هیچ‌کس را به خاطر جرمی که قبلاً مرتکب شده و به خاطر آن محاکمه و براساس یک حکم نهایی، محکوم یا تبرئه شده باشد، مجدداً محاکمه و مجازات کرد تا اینکه متعاقب این تدابیر، مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، دوباره قاعده مذکور

را گاه به شکل گسترده (ماده ۵ و ۶) و گاه به شکل محدود (مواد ۷ و ۸) پذیرفت. ماده ۵ این قانون، مربوط به اصل صلاحیت واقعی و جرائم علیه منافع اساسی و مصالح عالی کشور است. چنانکه جرائم مندرج در این ماده در خارج از قلمرو حاکمیت ایران رخ دهد، مقنن، محاکم ایران را جهت تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکب آن جرائم، صالح دانسته است. چنانچه مرتکب در محاکم خارجی محاکمه و مجازات یا تبرئه شده باشد، اعتباری برای آن احکام قائل نشده و صرفاً به احتساب مجازات قبلی در حکم جدید بسنده کرده است. در این ماده، پاسخ به این سؤال با ابهام مواجه خواهد بود که اگر مجازات مقرر در حکم محاکم خارج از ایران بیشتر از مجازات قانونی همان جرم در قانون مجازات اسلامی باشد، چه راهکاری وجود خواهد داشت؟ و محاکم ایران در رسیدگی مجدد به این جرم چگونه عمل خواهند کرد؛ چراکه فرض قانون‌گذار در وضع این ماده ممکن است این باشد که مجازات جرم مذکور در قوانین جزایی خارج یا کمتر از قوانین جزایی ایران است یا محاکم خارج ممکن است از باب مسامحه با متهم و داشتن حساسیت کمتر نسبت به موضوع جرم که مربوط به نظم و امنیت کشوری دیگر است، مجازات کمتری را مورد حکم قرار دهند. این امر یعنی عدم تناسب مجازات با جرم نسبت به هدفی که مقنن ایران از تعیین میزان مجازات مربوط به همان جرم در قانون دارد، به اصل حاکمیت ایران لطمه وارد می‌سازد.

ماده ۶ قانون مذکور، مربوط به اصل صلاحیت شخصی خاص است. این دسته از جرائم به دلیل وضعیت خاص مرتکبان، طبق قواعد و قراردادهای بین‌المللی که اکثر کشورها آن را پذیرفته‌اند، کشور متبوع، صالح به رسیدگی است. بنابراین، در این قبیل جرائم مطلقاً نه اصل صلاحیت سرزمینی و نه قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد پذیرفته نیست. ماده ۷ قانون (مصوب ۱۳۹۲)، در خصوص اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکب (صلاحیت شخصی مثبت) و ماده ۸ در خصوص اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه (صلاحیت شخصی منفی) است.<sup>۱</sup> ماده ۷ این قانون، قاعده مذکور را در خصوص مرتکبان

---

۱. ماده ۸ برای اولین بار در قانون ایران پیش‌بینی شده است و قبلاً سابقه‌ای در این خصوص نبود (مگر در قانون خاص هواپیمای کشوری مصوب ۱۳۲۸؛ ماده ۳۱ و ماده ۴ کنوانسیون توکیو که در سال ۱۳۵۵ به تصویب مقنن ایرانی رسیده است).



تبعه ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران تحت شرایطی پذیرفته است (پورباقرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹). این شرایط عبارت‌اند از: جرم ارتكابی مشمول مواد ۴ و ۵ و ۶ این قانون نباشد؛ در صورتی که جرم ارتكابی موجب تعزیر باشد و متهم قبلاً در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد. در تجزیه و تحلیل این ماده و به عنوان نوآوری و تحول سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، ملاحظه می‌شود که جرائم مذکور در این ماده باید از نوع جرائم مستوجب تعزیر باشد. پس در جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات این قاعده رعایت نخواهد شد. البته، قانون‌گذار در ماده مذکور گام مثبتی در جهت رعایت قاعده مورد بحث برداشته است؛ چراکه اگر متهم در محاکم خارجی محاکمه شده و منتهی به براءت شود یا در صورت محکومیت، مجازات مقرر در حکم به‌طور کامل توسط دولت خارجی اجرا شود، براساس این ماده قانونی، دیگر متهم در محاکم ایران مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار نخواهد گرفت. آنچه از مفاد مواد فوق به ذهن می‌رسد، رویکرد مقنن برای اعمال قاعده مذکور در مجازات تعزیری غیرمنصوص (تبصره ۲ ماده ۱۱۵) با اعمال برخی شرایط است. در این قانون راجع به صلاحیت‌های واقعی (ماده ۵) و صلاحیت شخصی (مواد ۸، ۷) به صورت محدود در جرائم تعزیری، این قاعده پذیرفته شده است. علت این پذیرش محدود از یکسو، ملاحظات شرعی بوده که قانون‌گذار بر پایه این اعتقاد که به جرائمی که مجازات آن‌ها در شرع تعیین شده (حدود، قصاص، دیات) باید توسط دادگاه ایران و بر طبق قوانین ایران که منبعث از شریعت است رسیدگی شود. از سوی دیگر، ملاحظات حقوقی معمول مورد توجه بوده که براساس آن در رویه قانون‌گذاری کشورها هنگامی که کشوری واحد صلاحیت سرزمینی یا صلاحیت واقعی داشته باشد، به دلیل ارتباط تنگاتنگ این صلاحیت‌ها با حاکمیت ملی و امنیت عمومی، معمولاً از قبول قاعده مذکور خودداری کرده و پذیرش آن منحصر به موارد صلاحیت شخصی و جهانی می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۹۱: ۸۴۱).

بنابراین دو دلیل بالا مقنن با وضع ماده ۵ قاعده احتساب که مکمل قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد است و در مواردی که کشوری نمی‌خواهد صراحتاً قاعده را بپذیرد، ولی دغدغه حفظ حقوق متهم و جلوگیری از تحمیل مجازات مجدد به وی را دارد، این قاعده را مورد

استفاده قرار می‌دهد. بند «الف» ماده ۸ و بند «ب» ماده ۷ سعی در حفظ ضرورت مهم به این شرح دارند<sup>۱</sup> (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۹۲). بنابراین، با توجه به موارد مطروحه بالا، بررسی سیاست جنایی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد نشان می‌دهد که حفظ نفوس، اموال، آبرو و نوامیس مردم بر عهده قوانین و حقوق کیفری است. در این زمینه اصل ۱۶۶ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است». اصل ۳۶ ق.ا. نیز بیان می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». بانگرس به این اصول، فرآیند دادرسی وقتی از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است که بین دو حق (حق جامعه که از جرم متضرر شده و حق انسانی که فعلاً به عنوان متهم شناخته شده) تعادل ایجاد کند. ارزشمندترین حقوق متهم در این مسیر، آسوده‌خاطری و اطمینان کامل از منع مجازات مجدد، پس از رسیدگی و اجرای حکم است. در نگاه اجمالی به قانون (۱۳۹۲)، چنین برداشت می‌شود که ماده ۷ با فقه و روح حاکم بر قوانین مغایرت دارد. این در حالی است که برابر منابع فقهی و اسناد بین‌المللی، وقتی فردی به خاطر جرمی محاکمه شد، حقی وجود ندارد که مجدداً به خاطر همان جرم محاکمه شود. نکته قابل توجه اینکه، هرچند این موضوع بین‌المللی است، اما این قاعده در اسلام، عقل و عرف نیز پذیرفته شده است. متأسفانه مقنن در ماده ۷ این قانون، قاعده مذکور را صرفاً در تعزیرات منصوص غیرشرعی پذیرفته است. عدم پذیرش این قاعده در مابقی جرائم یک چالش تقنینی است. در این ماده، قاعده مذکور در حدود، قصاص و دیات نادیده گرفته شده است، در حالی که اگر قانون‌گذار این قاعده را به‌طور کامل مورد پذیرش قرار می‌داد، هیچ مخالفتی با شرع، فقه و مقررات بین‌المللی و حقوق موضوعه نداشت. حتی با بررسی منابع فقهی (قاعده لاضرر، لاجرح...) روشن است که این منابع به ما اجازه محاکمه و مجازات مجدد را نمی‌دهند (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹). توضیح اینکه هرچند در ماده ۷ (مصوب ۱۳۹۲) با

---

۱. مجازات شرعی (حدود، قصاص و دیات) را بدون هیچ شرط دیگری از جمله محکومیت قبلی اجرا نماید و در اعمال آن‌ها تغییری ندهد، با این عقیده که قصاص و دیات از جمله حق الناس است و حکومت حق دخالت در آن‌ها را ندارد. حدود نیز حق الهی می‌باشند و در این زمینه نیز حکومت حق هیچ‌گونه تغییری ندارد.





شرایطی قاعده مذکور در جرائم تعزیری منصوص غیر شرعی پذیرفته شده است، اما به نظر می‌رسد بر اساس تفسیر به نفع متهم، زمانی که بزه دیده یا اولیای دم با اراده و آگاهی کامل از قوانین و مقررات کشور محل وقوع جرم، به دادگاه صلاحیت دار آن کشور مراجعه و از دادگاه تقاضای رسیدگی به جرم مرتکب را می‌کنند، پس از محاکمه و تحمل مجازات مرتکب در آن کشور و مراجعه به ایران، دیگر جایی برای محاکمه و مجازات مجدد وی وجود ندارد. حتی اگر جرم وی از جرائم حق الناسی (قصاص، دیات و تعزیرات) باشد؛ چراکه بزه دیده یا اولیای دم با محاسبه دقیق و اراده و آگاهی از مقررات کشور محل وقوع جرم، تقاضای تعقیب متهم، رسیدگی، محاکمه و مجازات وی را کرده‌اند. نکته دیگر اینکه در برخی موارد، اولیای دم و یا بزه دیده با آگاهی به قوانین دو کشور (محل وقوع جرم و ایران)، در نظر دارند که مرتکب را دوبار مجازات کند. لذا از این خلأ قانونی استفاده و به اهداف خود می‌رسد. به عنوان مثال، در برخی موارد مانند قصاص نفس یا قصاص عضو، اجرای مجدد محاکمه و مجازات، به نفع بزه دیده یا اولیای دم مقتول خواهد بود و متهم به طور مضاعف متضرر خواهد شد. این موضوع زمانی است که بزه دیده یا اولیای دم به دلیل فقر اقتصادی و نیاز مبرم به پول، تمایلی به قصاص در محل وقوع جرم نداشته باشند و مطالبه دیه کنند. هر چند با این مطالبه، با توجه به ارزش پول کشور محل وقوع جرم نسبت به ارزش ریال ایران، دیه بیشتری هم از متهم خواهد گرفت. اما به دلیل عدم اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در ایران، پس از حضور متهم در ایران، مجدداً با درخواست رسیدگی از جانب بزه دیده یا اولیای دم، باید مجازات قصاص نسبت به متهم اعمال شود. به نظر می‌رسد بر اساس قاعده تفسیر به نفع متهم، این مورد دور از عدل و انصاف اسلامی است. عدم اعمال قاعده مذکور در موارد مشابه بالا از لحاظ ارزش‌های فقهی و اسلامی و همچنین حقوق بشری سازگارتر است. نکته جالب اینکه، در برخی موارد میزان مجازات تحمیل شده برای مرتکب در جرائم حدود، قصاص و دیات، در کشور محل وقوع جرم سنگین‌تر از مجازات تعیین شده در قانون ایران است. در این موارد، چه لزومی دارد که مرتکب دوباره مجازات شود؛ پس حقوق شهروندی و قانونی متهم چه می‌شود؟! وقتی مرتکب در کشور اسلامی به خاطر قطع عضو، قصاص شده است، به نظر می‌رسد محاکمه و مجازات مجدد وی، بدون در نظر گرفتن مجازات تحمل شده، دور

از انصاف است. این محاکمه و مجازات برخلاف حقوق بشردوستانه و حقوق شهروندی است. همچنین، در حدود اصل بر جرم‌پوشی است و باید اشاعه فحشا نشود؛ مگر اینکه شاکی خصوصی داشته باشد.

با توجه به اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق بین‌المللی و تأکید بر رعایت کامل حقوق بشری در منابع فقهی، هیچ دلیلی در نظام حقوقی ایران یافت نمی‌شود که مناسبات و نظامات اجتماعی دول مسلمان در حوزه جرائم مستوجب حدود معتبر نباشد؛ چرا که پایبندی به نظامات اجتماعی بین‌المللی به خصوص کشورهای اسلامی مورد تأکید شریعت اسلام است و روح حاکم بر قوانین نیز همین را می‌گویند. لذا، اینکه گفته می‌شود اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در قصاص و دیات به دلیل جنبه غالب حق الناس با مانع جدی روبرو است. این سخن چندان به حق به نظر نمی‌رسد. این جرائم معمولاً تا زمانی که بزه دیده اقدام به طرح شکایت نکند، مجرم حداقل بابت جنبه حق الناسی جرمش محاکمه و مجازات نمی‌شود. بنابراین، محاکمه و مجازات متهم در دادگاه کشور دیگر (اعم از کشور اسلامی و غیراسلامی) ناشی از اقدام خود بزه دیده بوده و با این اقدام می‌توان گفت در عمل، از حق خود که طرح شکایت در دادگاه کشور ایران است، صرف نظر کرده و لذا نباید به او اجازه داده شود با طرح مجدد دعوا در دادگاه‌های ایران، متهم را در معرض دوباره محاکمه و مجازات قرار دهد. به عبارت دیگر، همان طوری که اگر اولیاء دم پس از تحقق قتل عمدی، قاتل را عفو کرده یا با او مصالحه می‌کنند یا در قتل غیر عمدی، از اخذ دیه گذشت می‌کنند، در چنین مواردی نیز دیگر حق قصاص یا مطالبه دیه برای آن‌ها باقی نمی‌ماند و اقدام آن‌ها در تعقیب قاتل عمدی یا غیر عمدی در دادگاه کشور اسلامی یا غیراسلامی را می‌توان به عنوان رضایت آن‌ها به اعمال قانون آن کشور در مورد رسیدگی به جرم قاتل به شمار آورد. برای مثال، تصور کنید که اولیاء دم در خارج از کشور به خاطر قتل غیر عمدی مورث خود، از طریق دادگاه کشور محل وقوع جرم، هزاران دلار غرامت از قاتل گرفته و بخواهند مجدداً دیه مقرر شرعی را از طریق دادگاه ایران مطالبه کنند. پر واضح است که این اقدام نه تنها عمل به مقررات اسلامی نیست، بلکه سوءاستفاده از قانون و ایجاد حرج برای قاتل است. در خصوص جرائم مستوجب حدود نیز زمانی که متهم در کشور محل وقوع جرم، به دلیل بر



هم زدن نظم عمومی آن کشور مجازات شده است، به نظر می‌رسد در زمان حضور در ایران حداقل بایستی آن مقدار مجازات که در مورد وی اجرا شده، محاسبه شود؛ چراکه در اعمال مجازات، بحث پیشگیری از جرم و بازاجتماعی کردن مرتکب مطرح است. از طرفی، اسلام اعمال مجازات مضاعف و تنبیه مرتکب به بیشتر از آنچه مقرر شده را نپذیرفته و همیشه بر کرامت و حفظ ارزش‌های انسانی تأکید کرده است. از طرفی، مرتکب تحت هر شرایطی و به هر دلیل، در مقابل جرم ارتكابی مجازاتی را هرچند کمتر از مجازات تعیین شده در قانون ایران، متحمل شده است. بنابراین، با تفسیر به نفع متهم، قواعد لاضرر و لاجرح و غیره، به نظر می‌رسد ضرورتی ندارد متهم بدون در نظر گرفتن مجازات سپری شده، به میزان مجازات مقرر در قانون ایران محاکمه و مجازات شود. درست است که حدود الهی است و باید دقیقاً و بدون کم و کاست مجازات اجرا شود، اما این موضوع به زمانی برمی‌گردد که متهم به دلیل عدم جرم‌انگاری کشور محل وقوع جرم، اصلاً مجازات نشده باشد. زمانی که متهم در کشور اسلامی که حدود را به درستی و حتی سخت‌تر از ایران اجرا می‌کند، محاکمه و مجازات شده است، عدم اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد خالی از اشکال نیست.

### نتیجه‌گیری

هر چند جلوگیری از عدم مجازات مجرمان از اهداف حقوق جزای بین‌الملل و حقوق جزای ایران است، اما حفظ کرامت و ارزش‌های والای انسانی و تأکید بر حق دادرسی عادلانه جهت تضمین و اطمینان بخشیدن به اینکه متهم به صورت غیرقانونی و ناعادلانه مجازات نخواهند شد، موجب پذیرش قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران شده است. بنابراین، شرط عدم رسیدگی قبلی، نتیجه پذیرش قاعده مذکور است. پذیرش این قاعده، ضمن آنکه هیچ مغایرتی با موازین فقهی ندارد، حتی در موارد بسیاری می‌تواند پشتوانه حقوقی محکمی برای اقدامات سیاسی ایران به شمار آید.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد این قاعده در حقوق جزای بین‌الملل از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و روندا و همچنین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و غیره مورد پذیرش و تأکید است. اما،

قاعده مذکور به عنوان یکی از حقوق اساسی متهمان در حقوق داخلی ایران دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است. قانون سال ۱۳۰۴ در این باره مسکوت بود تا اینکه مقنن در سال ۱۳۵۲ در مورد صلاحیت شخصی نسبت به صلاحیت واقعی، قلمرو گسترده‌تری برای منع محاکمه و مجازات مجدد پذیرفت و حتی اجرای جزئی مجازات قبلی را نیز مانع مجازات مجدد دانست. اما در مورد صلاحیت سرزمینی و جهانی، قانون گذار همچنان ساکت بود. پس از انقلاب و تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی، این قاعده دستخوش تحولاتی شد. در سال ۱۳۶۱ مقنن با حذف بند «ج» و «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲)، اقدام به گسترش صلاحیت تقنینی خود و عدم رعایت قاعده مذکور کرد. در ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ نیز احکام کیفری صادره از محاکم خارجی، فاقد اعتبار در محاکم ایران شد. به عبارتی دیگر، قاعده مذکور مجدداً پیش بینی نشده است. این قاعده اساساً از قانون حذف و منجر به ایجاد شبهاتی در میان فقها و حقوقدانان شد تا اینکه مقنن با تصویب ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، مجدداً با احیای این قاعده، به شبهات خاتمه داد. مقنن در این قانون با تبعیت از قانون (مصوب ۱۳۵۲) در مورد صلاحیت جهانی و سرزمینی، محاکمه و مجازات مجدد را جایز دانسته است. در خصوص صلاحیت شخصی در مقایسه با صلاحیت واقعی نیز قلمرو گسترده‌تری از احکام محاکم بیگانه را مورد پذیرش قرار داده است.

نتایج این تحقیق حاکی است که رویکرد مقنن در ق.م.ا. (مصوب ۱۳۹۲) در مورد جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات آن است که در صورت اثبات این جرائم و وجود شرایط مقرر شرعی، الزاماً باید مجازات مقرر در قانون بدون در نظر گرفتن قاعده مذکور در مورد متهم اجرا شود و نمی‌توان به بهانه محاکمه و مجازات قبلی متهم که در کشور خارجی برای مثال، کشور محل وقوع جرم صورت گرفته، از اجرای مجازات متهم صرف نظر کرد. این امر با قواعد فقهی، عدالت و انصاف چندان همخوانی ندارد؛ چراکه پذیرش این قاعده در منابع فقهی و حقوق جزای بین‌الملل مورد تأیید و تأکید است. بنابراین، مقنن در ق.م.ا. (مصوب ۱۳۹۲) در خصوص قاعده مذکور نوآوری و تحول قابل توجهی نداشته، بلکه به قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲) رجوع کرده است. در ماده ۷ ق.م.ا. (مصوب ۱۳۹۲) نیز قاعده احتساب مجازات قبلی متهم مورد پذیرش واقع نشده است. این در



حالی است که مقنن در ماده ۵ این قانون که جرائم مندرج در آن به مراتب مهم‌تر از ماده ۷ است، قاعده احتساب را پذیرفته است. همچنین، قانون‌گذار در ماده ۷، یکی از شرایط اعمال قاعده مذکور را منوط به محاکمه قبلی متهم در دادگاه محل وقوع جرم دانسته است. حال چنانکه متهم در کشور دیگری از جمله تحت اصل صلاحیت شخص منفی محاکمه و مجازات شده باشد، این ماده نصی در این رابطه ندارد. مقنن در این ماده، اعتنایی به حکم براءت صادره از محاکم کشور محل وقوع جرم قائل نشده است، در صورتی که در جرائم موجب تعزیر کم‌اهمیت، اعتبار قائل شدن به احکام محاکم خارجی قابل توجیه است؛ مگر اینکه مجنی‌علیه تقاضای تعقیب کرده باشد. مقنن در مواد ۷ و ۸ قانون (مصوب ۱۳۹۲) به این قاعده اشاره کرده و محدوده آن را اصل صلاحیت شخصی قرار داده است. در این قاعده بحث تابعیت از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که یا متهم یا شاکی یا هر دوی آنها باید تابعیت ایرانی داشته باشند. همچنین، لازم است که رفتار ارتكابی در خارج از ایران اتفاق افتد و گرنه طبق اصل صلاحیت سرزمینی با آنها برخورد میشود؛ هر چند فقط قسمتی از رفتار در ایران وقوع یافته باشد. در ماده ۸، مقنن عبارت کلی «... علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز ...» به کار برده است، اما از ذکر مصادیق آن اجتناب کرده است. به نظر می‌رسد جرم علیه کشور داخل در اصل صلاحیت واقعی (موضوع جرائم مندرج در ماده ۵) است و ذکر آن در این ماده نامتناسب است. به هر حال، عبارت فوق‌الذکر نامأنوس و مبهم به نظر می‌رسد. در این ماده نیز قانون‌گذار به مجازات قبلی متهم در دادگاه محل وقوع جرم توجهی نکرده و قابل احتساب در حکم جدید ندانسته است. همچنین، در این ماده، مقنن شرط محاکمه قبلی در محاکم کشور محل وقوع جرم را معتبر شناخته است، در صورتی که ممکن است مرتکب در کشور دیگری با اعمال اصل صلاحیت شخصی مثبت تحت محاکمه و مجازات واقع شده باشد. از این‌رو، موجبات موقوفی مجازات یا سقوط آن در حکم دادگاه‌های خارجی رسیدگی‌کننده به جرم مورد شناسایی واقع نشده است. به نظر می‌رسد در جرائم تعزیری کم‌اهمیت شناسایی چنین موجباتی قابل توجیه باشد.

## پیشنهادها

- با توجه به مبانی فقهی مطرح شده و پذیرش قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در اسناد بین‌المللی، پیشنهاد می‌شود تا جایی که مصلحت جامعه در بعد داخلی و بین‌المللی اقتضاء میکند، مقنن ایران این قاعده را در کلیه جرائم و بدون استثناء کردن آنها به عنوان یک ماده مستقل به قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) اضافه کند.
- مقنن در اعمال این قاعده در جرائم تعزیری منصوص غیرشرعی، به جای استفاده از عبارت محاکمه در کشور محل وقوع جرم از «محاکمه در محاکم خارجی» که هم در بردارنده کشور محل وقوع جرم و هم کشور خارجی صلاحیت‌دار دیگر و همچنین دادگاه‌های کیفری بین‌المللی صالح است، استفاده کند.
- در مواد ۷ و ۸ ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۲)، قاعده احتساب مجازات قبلی مورد شناسایی و پذیرش قرار گیرد.
- در جهت اعمال قاعده مذکور، پیشنهاد می‌شود با کشورهای اسلامی قراردادهای متقابل قضایی از قبیل استرداد مجرمان، معاضدت قضایی، انتقال محکومان به حبس و غیره انعقاد شود.
- مقنن در مورد قاعده احتساب، تکلیف موردی را که میزان مجازات اجرا شده در خارج با مجازات مقرر در ایران برابر یا بیشتر یا متفاوت است، مشخص کند. به نظر می‌رسد که حداقل اعمال مقررات ماده ۲۷ ق.م.ا در این خصوص پیشبینی شود.
- شناسایی موانع تعقیب و اجرای مجازات در بند «پ» ماده ۷ ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۲)، گامی دیگر در پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد محسوب می‌شود.
- با توجه به قاعده تفسیر به نفع متهم، قواعد لاضرر و لاجرح و غیره، پیشنهاد می‌شود در جرائم مستوجب حدود زمانی که متهم در کشور محل وقوع جرم تحت هر شرایطی، در مقابل جرم ارتكابی، مجازاتی را هر چند کمتر از مجازات تعیین شده در قانون ایران متحمل شده است، حداقل این مقدار مجازات اجرا شده برای وی محاسبه شود.
- درست است که جرائم مستوجب حد، جنبه الهی دارند و باید دقیقاً و بدون کم و کاست مجازات اجرا شود، اما پیشنهاد می‌شود زمانی که متهم در کشورهای اسلامی - که حدود



را به درستی و حتی سخت‌تر از ایران اجرا می‌کند- محاکمه و مجازات شده است، قاعده مذکور در مورد وی اعمال شود.

- در بسیاری از موارد، اولیای دم یا زه‌دیده از خلأ قانونی عدم پذیرش قاعده مذکور در قصاص و دیات در ایران سوءاستفاده کرده و با آگاهی به قوانین دو کشور (محل وقوع جرم و ایران) در پذیرش یا عدم پذیرش این قاعده، مرتکب را دو بار محاکمه می‌کنند. پیشنهاد می‌شود جهت جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی از قاعده مذکور، حداقل در جرائم قصاص و دیات، قاعده مذکور توسط مقنن مورد پذیرش قرار گیرد.

## منابع

- پرالوس، میشل (۱۳۷۷). بررسی قاعده منع تعقیب مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و حقوق جوامع اروپا (علی‌اوسط جاویدزاده، مترجم). *مجله حقوق دادگستری*. شماره ۲۵، صص؟
- پوربافرانی، حسن (۱۳۸۷). *حقوق جزای بین‌الملل*. تهران: انتشارات جنگل. چاپ اول.
- پوربافرانی، حسن و بیگی حسن، فاطمه (بهار و تابستان ۱۳۹۲). اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرائم مستوجب مجازات‌های شرعی. *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*. سال چهارم، شماره اول، صص؟
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۸). منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی در آراء مراجع عظام تقلید. *نشریه؟*. دوره ۱۰، شماره ۲۹، صص؟
- حبیب‌زاده، نام؛ اردبیلی، نام و جانی‌پور، نام (۱۳۸۴). قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری بین‌المللی. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*. دوره ۹، شماره ۲۰، صص ۷۴-۴۷.
- ساریخانی، عادل و کرمی‌پور، مصطفی (بهار ۱۳۹۷). اعمال قاعده منع مجازات مضاعف نسبت به جرائم ارتكابی ایرانیان در خارج از کشور. *فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده*. دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۸۳.
- کریانک سک کیتی، شیمایزری (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل کیفری* (بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی). سمت: تهران.
- قربانی قلجلو، مهدی (۱۳۸۷). *مجازات مضاعف در نظام کیفری ایران*، فقه امامیه و اسناد بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق (ع).
- جاهد، محمدعلی (۱۳۸۹). *منع تجدید محاکمه و مجازات در اسناد حقوق بشر و حقوق ایران*. وبلاگ حقوقی انصا.
- خالقی، علی (۱۳۹۳). *محتوی و جایگاه قاعده محاکمه مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و ایران*. تهران: سمت. چاپ اول.
- خالقی، علی و احمدی، محمدعارف (بهار و تابستان ۱۳۹۵). قاعده منع محاکمه مجدد در نظام حقوقی افغانستان، اسناد بین‌المللی حقوق بشر و فقه حنفی. *فصلنامه مطالعات حقوق*





- کیفری و جرم‌شناسی. دوره ۳، شماره ۶، صص ۹۱-۶۳.
- خداینده لو، نسرین (شهریور ۱۳۹۱). بررسی جایگاه قاعده منع محاکمه مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و حقوق ایران. پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی. سال؟، شماره؟، صص؟.
- خوانساری، سید احمد (۱۳۶۴). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. جلد ۵. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- توجهی، عبدالعلی و قربانی قلجلو، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری ایران و تعارض‌های آن با اسناد بین‌المللی. مجله حقوقی بین‌المللی. دوره ۲۸، شماره ۴۵، صص ۱۷۳-۱۳۹.
- توجهی، عبدالعلی و قربانی قلجلو، مهدی (بهار و تابستان ۱۳۸۸). منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی در آراء مراجع عظام تقلید. پژوهشنامه حقوق اسلامی. دوره ۱۰، شماره ۲۹، صص ۱۹۷-۱۴۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۶). فقه سیاسی. جلد ۳. تهران: امیرکبیر.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۰). حقوق جزای بین‌الملل. تهران: نشر میزان. چاپ سوم.
- منتظری، آیت‌ا... حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی (محمد صلواتی، مترجم). جلد سوم. تهران: نشر کیهان.
- صفری، صادق و قپانچی، حسام (۱۳۹۳). تأملی بر رویکرد نوین حقوق جزای بین‌الملل ایران نسبت به قاعده منع مجازات مجدد. فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس. دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۷۶-۵۱.